

الباب الحادی و العشر من الواحد الرابع من یتجاوز عن...

حضرت باب

اصلی فارسی



الباب الحادی و العشر من الواحد الرابع من یتجاوز عن حد البيان فلا يحکم علیه حکم الإیمان سواء کان عالماً او سلطاناً او مملو کا او عبداً.

ملخص این باب آنکه خداوند در حین نزول بیان نظر بکل خلق خود فرموده و حدود از برای خلق خود در هر مقام که واقف باشند مقدر فرموده که هیچ نفسی در جنت بیان بقدر شیء محزون و مضطر نگردد بلکه از برای هر شیء حکم فرموده که مقتدرین بر هر شیء آن شیء را بعلو کمال برسانند که از جنت خود ممنوع نگردد

مثلاً لوحی که در آن چند سطر نیکوئی نوشته شده باشد جنت او این است که آن را بانواع تذهیب و طرز و شئونی که در مرقعات ممتنعه ممکن است که جاری نمود در حق او جاری سازند آن وقت مالک او او را باعلی درجه امکان خود رسانیده که اگر فوق آن در علم او باشد و در حق آن مرقع ظاهر نسازد او را از جنت خود ممنوع داشته و مؤاخذه از آن نفس خواهد شد که با وجود قدرت چرا منع فیض نمودی

و هر نفسی که از حدود بیان تجاوز کند سواء کان اعلی الخلق او ادناه محکوم بحکم ایمان نمیگردد ولی مراقب نفس خود بوده که بر "من یظهره الله" حکم نکرده که اون قبل از آنکه بشناساند بنفسی نفس خود را که اعلی جنت او است بحدود بیان حکم خواهد فرمود ولی حین ظهور بر کسی نیست که لم وجم در حکم او گوید زیرا که حدود بیان کلاً از او است ولی مراقب ظهور گشته که مثل ظهور مثل نزول بیان است حرفاً بحرف و آیه



ORIGINAL



AUDIO

بآیه تجلی بر سکان جبروت خود خواهد فرمود چنانچه در حین ظهور نقطهٔ بیان حین تجلی بر دو نفس واقع شد تا آنکه کم کم بکل رسید مراقب باشید حین ظهور را که اگر بر نفسی واقع شود منفطر نگردد از عظمت که می بیند که کل اهل بیان با اسم او قائم میگردند و یک دفعه بشنود که او بوده که شب و روز با او بوده

زیرا که مثل همین در نقطهٔ قرآن تصور کنید و قبل از آن الی آدم و همچنین در بعد الی ما لا نهایه و پناه برید بخدا که اول مخطر در حق او بدون خطور بحق نگردید و شرف اول ایمان را درک کنید اگر چه بینید وحدت را ولی حجت الله بالغه است در همان حین وحدت اگر تصور کنید چنانچه امروز اعظم حجت رسول الله - صلی الله علیه و اله - که قرآن است میبینید ما لا یحصى که باو مؤمن هستند و همین حجت بعینه در صدر اسلام بود و تا هفت سال کسی اقرار باون نیر اعظم نکرد

در هر حال مراقب نفس خود بوده که از حدود بیان تجاوز نکنید و این مطلب هم در قرآن محقق بوده چنانچه آیه: ﴿و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون﴾ با دو دنو دیگر که در دو آیه دیگر مسطور است نازل شده و با وجود این می بینید که چقدر تعدی کرده اند از حدود الله و مراقب خود بوده که این آیه را در حق حکم "من ینظره الله" جریان نداده که ما نزل الله آن زمان حکم او است چنانچه ما نزل الله در زمان رسول خدا - صلی الله علیه و اله - قرآن بود نه ما نزل الله فی الانجیل و همچنین ما نزل الله فی القرآن امروز ما نزل الله فی البیان است نه ما نزل الله فی الفرقان

و از این است که کل بزعم خود لله میکنند و حال آنکه بر خدا میکنند آنچه میکنند زیرا که ذات ازل مقدس است که بر او حکمی یا دون حکمی وارد شود بل این در مظهر مشیت اولیه است در حقیقت اولیه چنانچه نص قرآن بوده: ﴿ان الذین ینابعونک انما ینابعون الله﴾ و همچنین در کل شئون این مطلب جاری است حکم بر او حکم بر خدا است بلکه این مطلب را اهل بیت از قبل تنزل داده و در حق خود هم جاری فرموده بحقیقت ثانویه چنانچه زیارت جامعه کبیره مملو است از این نحو بیان: "من عرفکم فقد عرف الله و من جهلکم فقد جهل الله و من احبکم فقد احب الله و من ابغضکم فقد ابغض الله" و خدا میداند که امروز در فرقه شیعه چقدر این زیارت را میخوانند و ائمه رجوع بدنیا کرده و احدی ایشان را نمی شناسد و لا عن شعور شب و روز این زیارت را میخوانند

نه این است که حجت خدا بالغ نباشد مثل اینکه در حین ظهور رسول الله - صلی الله علیه و اله - وعده عیسی - علیه السلام - در حق نصاری ظاهر شد که: ﴿یاتی من بعدی اسمه احمد﴾ ولی تا امروز هنوز باقی مانده و بان وعد منتظر میباشند و کرور کرور می بینی که در ملت فرنگ هستند بهمین اعتقاد مانده اند این بواسطه این است که تعقل در حجت رسول الله - صلی الله علیه و اله - نکرده که قرآن باشد و الا کل حین ظهور وعده

عیسی را مشاهده می نمودند که ظاهر شده همینقدر که محتجب مانده در نار مخلد گشته و بزعم خود در دین خود هنوز منتظرند ای اهل بیان ترحم بر خود نموده که در وقت ظهور "من یظهره الله" این قسم نگشته

و در مقام مظهر حکم اهل بیت بحقیقت ثالثه در حق شیعیان خود هم ذکر فرموده زیرا که این همه بزرگی مجتهدین که می بینی که در دین اسلام میکنند بواسطه قول امام - علیه السلام - است که فرموده در حدیث مطول که محل ثمره این است که: "الراد علیه الراد علینا و الراد علینا الراد علی رسول الله و الراد علیه الراد علی الله" بلکه از این هم تنزل داده اند مطلب را و در حق مؤمن هم جاری فرموده اند چنانچه در حدیث تفسیر شرح بقره ذکر شده که جوهر ذکر این است: "من سر مؤمنا فقد سرنی و من سرنی فقد سر الله"

و حال بین که مردم بچهار درجه تنزل نموده و در مقام حقیقت که غیر الله دیده نمیشود که در حق او آیه: ﴿لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ﴾ نازل گشته چگونه متحملند اگر چه بعضی در این آیه تقدم بین یدی الرسول - صلی الله علیه و اله - را گرفته اند ولی خلاف مراد الله هست زیرا که در نفس آیه ذکر رسول شده بلکه مراد شمس حقیقت است که جهت اعلائی رسول بوده باشد که در او دیده نمیشود الا الله این شئون متکثره در این باب بجهت اخذ ثمره است تا کسی از مقصود محتجب نگردد و الله خیر الحاکمین.

